



مدیر دبیرخانه ستاد ملی مدیریت پدیده گرد و غبار از چرایی خاکستری شدن آسمان تهران والبرز گفت

هشدارها شنیده نشد؛ تالاب کانون گردوغبار شد

🟡 گفت و گو
🇮🇷 زهراکشوری
🇮🇷 دبیر گروه زیست بوم

در روزهایی که گرد و غبار نفس تهران و چندین شهر مرکزی کشور را گرفته، منشأ بحران نه در خارج از مرزها، بلکه در بی تدبیری نسبت به یک تالاب داخلی نهفته است؛ تالاب صالحیه. در گفت‌وگویی تفصیلی، بهزاد رایگانی، مدیر دبیرخانه ستاد

اخیراً آسمان تهران و چند شهر دیگر درگیر پدیده گردوغبار شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که منبع این آلودگی، تالاب صالحیه واقع در حدفاصل کرج و قزوین بوده است. لطفاً درباره سابقه و وضعیت کنونی این تالاب توضیح دهید و بفرمایید که چه برنامه‌هایی برای مقابله با این وضعیت تدوین شده‌اند؟

بله، تالاب صالحیه یکی از کانون‌های اصلی شکل‌گیری گرد و غبار اخیر بوده است. برای درک بهتر این بحران، ابتدا باید به سابقه این منطقه اشاره کنم. در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰، این منطقه (کانون گرد و غبار) یک ناحیه مرطوب محسوب می‌شد. سطح آب زیرزمینی بالا بود و پوشش گیاهی نسبتاً مناسبی، بویژه گونه‌های مقاوم به شوری،

ملی سیاست‌گذاری و هماهنگی مدیریت پدیده گرد و غبار، با تشریح دلایل اصلی شکل‌گیری کانون گرد و غبار در منطقه صالحیه، از اجرای نادرست زهکش‌ها تا کاهش سطح آب زیرزمینی و چرای بی‌رویه دام، تأکید می‌کند که همه هشدارها، راهکارها و حتی برنامه‌های اقدام از مدت‌ها پیش در اختیار دستگاه‌ها قرار گرفته، اما فقدان اراده مدیریتی، بی‌توجهی به آینده‌نگری و عدم اجرای مصوبات، باعث شد امروز بحران به شکل فیزیکی و محسوس خود را نشان دهد. رایگانی در این گفت‌وگو از پشت‌صحنه تصمیم‌گیری‌ها، موانع قانونی و ضعف اجرای سیاست‌های محیط زیستی گفت و مدعی شد که وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو مصوبات مربوط به منطقه تالاب صالحیه را اجرایی نکرده‌اند. روزنامه ایران آمادگی دارد توضیحات احتمالی این دو وزارتخانه را منتشر کند.

و این اقدام چه تبعاتی به همراه داشت؟

اجرای این زهکش، علی‌رغم اهداف اولیه، پیامدهای اکولوژیکی گسترده‌ای به‌دنبال داشت. اول اینکه این زهکش دقیقاً در مسیر پخش طبیعی سیلاب‌ها ایجاد شد و همین مسأله باعث قطع جریان‌های هیدرولوژیکی فصلی شد؛ جریان‌هایی که تا پیش از آن باعث تغذیه آبخوان‌ها و آبیاری طبیعی منطقه و دشت می‌شدند. دوم اینکه خود زهکش باعث تخلیه آب زیرزمینی و افت شدید سطح آن شد. طبق بررسی‌ها، تراز آب زیرزمینی در آن منطقه حدود ۱.۲ متر کاهش یافته است. از سوی دیگر، در همان بازه زمانی، چرای شتر به‌طور بی‌رویه در منطقه شدت گرفت. گونه‌های گیاهی باقی‌مانده، که عمدتاً بوته‌ای بودند،

این مطالعات، منشأ دقیق گرد و غبار، سازوکارهای تأثیرگذار از جمله نقش زهکش‌ها، چرای بی‌رویه و حتی ساختار جریان باد بررسی و تحلیل شده‌اند. مشخص شده که یکی از اقدامات کلیدی برای احیای این منطقه، با حذف کامل کانال زهکنشی با اصلاح مهندسی آن توسط وزارت جهاد کشاورزی است. حتی نقشه‌های مهندسی لازم برای اجرای زیرگذر یا روگذر برای عبور آب (در صورتی که کانال حذف نشود) و نیز کانال‌کشی‌های مکمل طراحی شده است.

همچنین وظایف دستگاه‌های مختلف از جمله وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نیرو و سازمان منابع طبیعی مشخص و به آنها ابلاغ شده است. برای مثال، جهاد کشاورزی باید نسبت به اصلاح منابع طبیعی مسئولیت مدیریت چرای دام را بر عهده دارد و وزارت نیرو موظف است حقایبه تالاب‌ها را تأمین کند. می‌خواهم بگویم که ما هم مسأله را به‌خوبی می‌شناسیم و هم راهکارهای آن را می‌دانیم، اما متأسفانه اقداماتی که باید انجام می‌شد، صورت نگرفته است و خشکسالی نیز این مسأله را تشدید کرده است. کشور ما از پنج سال پیش دچار خشکسالی شده و امسال این خشکسالی در شدیدترین حالت خود قرار دارد؛ یعنی امسال با محدودیت‌های طبیعی جدی مواجهیم. همچنین جریان‌های بادی که پیش‌تر کمتر مشاهده می‌شد، اکنون در بخش شمالی ایران شکل گرفته‌اند و وزش باد را افزایش داده‌اند. به عبارت دیگر، هم خشکسالی داریم، هم فرسایش خاک، و هم زمان سرعت جریان‌های بادی افزایش یافته که فرسایش خاک را تشدید کرده است.

چه زمانی تکلیف دستگاه‌هایی مثل وزارت نیرو و جهاد کشاورزی درباره تالاب صالحیه ابلاغ شده است؟

متأسفانه مشکلی که در کشور ما وجود دارد، این است که تا یک مسأله به مرحله بحران نرسد، واکنشی جدی نسبت به آن نشان داده نمی‌شود. برنامه‌هایی که تدوین شده بودند، بیش از یک سال است که به دستگاه‌ها ابلاغ شده‌اند، اما در دوره‌ای که وضعیت بارش نسبتاً مناسب بود و گرد و غبار محسوس نبود، دستگاه‌ها یا موضوع را نادیده گرفتند یا آن را در اولویت قرار ندادند. الان که دچار مشکل شدیم، همه دستگاه‌ها به تکاپو افتاده‌اند که باید چه کار کرد! در صورتی که در دل بحران نمی‌شود بلافاصله اقدام کرد. باید در شرایطی که وضعیت مناسب است، برای چنین روزی برنامه‌ریزی کرد.

آیا برنامه‌های ابلاغ‌شده ضمانت اجرایی دارند؟

ببینید، معدودیت‌هایی وجود دارد. مثلاً اگر من از وزارت نیرو بخواهم که آی

زیست بوم

را که برای زمین‌های کشاورزی منتقل کرده و عدم تخصیص آن باعث نارضایتی کشاورزان و ایجاد مسائل حاشیه‌ای می‌شود، به منطقه‌ای بیابانی که حالت شوره‌زار دارد اختصاص دهد، طبیعتاً این موضوع در زمانی که بحران حاد نیست، اولویت‌بندی می‌شود و گفته می‌شود: «الان که مشکلی نداریم، بهتر است آب به مناطقی منتقل شود که بیشتر نیاز دارند.»

تکالیف به دستگاه‌ها اعلام شده و آنها موظف هستند گزارش‌های اقدامات خود را به‌صورت سه‌ماهه، شش‌ماهه و سالیانه به دبیرخانه ارسال کنند تا ما بتوانیم نظارت داشته و مطابق آنها پیگیری‌های لازم را انجام دهیم. این فرآیند در دبیرخانه به‌صورت مستمر انجام شده است؛ برنامه‌ها و تکالیف مشخص شده و خواسته شده، اما اقدامات لازم که باید انجام می‌شد، تاکنون انجام نگرفته است.

از سوی دیگر، برخی دستگاه‌ها حتی با تحلیل‌های علمی انجام‌شده موافق نیستند. برای مثال، جهاد کشاورزی هنوز هم نمی‌پذیرد که این زهکش نقشی جدی در بیابانی شدن منطقه داشته است. آنها این زهکش را صرفاً برای تخلیه آب اضافی زمین‌های کشاورزی می‌دانند، در حالی که ما شواهد علمی داریم که نشان می‌دهد این زهکش هم باعث افت سطح آب زیرزمینی شده و هم جریان‌های سطحی سیلابی را قطع کرده است. همچنین بعضی از اقدامات، بسیار هزینه‌بر هستند؛ یعنی پرکردن کانالی که بیش از ۳۰ کیلومتر طول دارد، عملیات عمرانی بسیار بزرگی می‌خواهد. برای این پروژه باید بودجه دیده شود. بنابراین، صرف مصوب کردن یک برنامه و گفتن «باید انجام شود» به نتیجه نمی‌رسد؛ مگر اینکه مسئولان هم‌را‌ی و هم‌نظر باشند و از قبل برنامه‌ریزی کرده باشند. چون بدون برنامه نمی‌شود کانالی به این وسعت را از بین برد. باید برنامه‌ریزی کنند، بودجه اختصاص دهند و حل آن را در اولویت قرار دهند.

شمار مطالعات کارشناسی، راهکار حذف کانال را به وزارت جهاد کشاورزی ارائه داده‌اید؛ چرا این نظرات کارشناسی پذیرفته نشد؟

تمام نظرات کارشناسی در جلسات مربوطه ارائه شده‌اند، اما تا زمانی که مسئولان ذی‌ربط به این باور نرسند که این راهکار مؤثر است یا کارشناسان مشاور آنها به اشتباه بودن رویکرد پیشین اذعان نکنند، چنین مصوبه‌ای در اولویت اجرایی آن دستگاه قرار نمی‌گیرد.

یعنی در واقع، برنامه‌های اعلام‌شده توسط دبیرخانه، ضمانت اجرایی ندارد؛ فقط یک توصیه است. وزارت نیرو می‌گوید من این ندارم، جهاد کشاورزی هم می‌گوید اقدامات من درست بوده است!

می‌توانیم به‌صورت کلی چنین چیزی را بگوییم. بویژه باید تأکید کنم در زمان‌هایی که خشکسالی به‌شکلی نیست که با پدیده گرد و غبار روبه‌رو شویم، رویدادهای گرد و غبار معمولاً هر چند سال یک‌بار در کشور بحرانی می‌شود. ما این جلسات، مصوبات و تکالیف را سال گذشته داشتیم. در آن زمان اصلاً این ایده با هیچ استدلالی پذیرفته نمی‌شد. وقتی شرایط مثل الان پیش می‌آید و همه در گرد و غبار غرق می‌شوند، تازه می‌پرسند حالا برنامه کجاست؟ در حالی که هم مسأله شناخته شده و هم راهکار توسط بهترین کارشناسان ارائه شده است. حتی برنامه اقدام از قبل وجود داشته و مصوب شده است.

قیلاًغلی سلاحه، رئیس پیشین سازمان حفاظت محیط زیست، خواستار ایجاد یک کمیته برای حل بحران صالحیه شده بود. آیا آن کمیته شکل گرفت؟

بله. ما در دبیرخانه ستاد، کارگروه‌های متعددی از جمله «کارگروه تخصصی ملی مقابله با گرد و غبار» تشکیل داده‌ایم که مدیران کل ۱۵ دستگاه در آن عضویت دارند. مستندات و گزارش‌ها در این جلسات ارائه می‌شود. سازمان محیط زیست نیز نقش نظارتی ایفا می‌کند و در صورت عدم اجرای مصوبات، موضوع را به مراجع بالاتر از جمله بازرسی و تحقیق و تقحص مجلس اعلام می‌کند. مثلاً در این موضوع، سازمان منابع طبیعی همراه است اما جهاد کشاورزی به تکالیف نقد دارد.

ضمانتی که بتواند بودجه مورد نیاز را از دستگاه‌ها و یا دولت برای حل مسأله صالحیه تأمین کند، در برنامه‌ها چگونه دیده می‌شود؟

سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان ناظر است. وقتی مصوبه تصویب می‌شود، سازمان محیط زیست بارها اجرای آن را پیگیری می‌کند، به دستگاه‌ها نامه‌نگاری می‌کند و از آنها می‌خواهد مستندات را ارسال کنند. وقتی کار توسط دستگاه‌ها انجام نمی‌شود، به بازرسی گزارش داده می‌شود. موضوع به تحقیق و تقص مجلس می‌رسد. آنها ورود می‌کنند. مجلس از دستگاه‌های می‌خواهد تا مستندات خود را ارائه کنند. می‌خواهم بگویم که ساختار تصمیم‌گیری و نظارت مشکلی ندارد، اما آنچه ما آن مواجهیم، نبود اراده مدیریتی برای اجراء است. زمانی که مدیران کل دستگاه‌ها اراده نکنند و اجرای مصوبات را در اولویت قرار ندهند، اتفاقی نمی‌افتد. با ارسال، وقتی گرد و غبار محسوس نبود، کسی اجرای برنامه‌ها را جدی نگرفت. مسئولان به این نتیجه رسیدند که الان زمان اجرا نیست یا بودجه لازم را ندارند. اما امسال که شرایط بحرانی است، همه می‌پرسند برنامه‌ها کجا هستند؟ در حالی که باید آن اقدامات، سال گذشته انجام می‌شد.

استان البرز نیز در خصوص وضعیت تالاب صالحیه با اشاره به اینکه بحث حفاظت از تالاب صالحیه فرااستانی و در سطح ملی باید پیگیری شود، به «ایران» می‌گوید: «با احداث سد در استان‌های بالادست، حجم آبی که به این تالاب می‌رسد کاهش یافته و این امر موجب تشدید بیابان‌زایی و ریزگردها شده است.» اصغر بیات به ضرورت احیای تالاب صالحیه در حوزه استان البرز اشاره می‌کند و می‌افزاید: «اقدامات لازم چه در محدوده البرز باشد یا قزوین باید انجام شود، چراکه اثرات منفی ریزگردها در هر دو محدوده جریان‌گیر استان البرز و تهران خواهد بود و بادهایی که از غرب به شرق می‌وزد، ریزگردها را به سمت البرز و تهران هدایت می‌کند.»

مدیرکل منابع طبیعی استان البرز با اشاره به اقدامات شاخص در محدوده تالاب صالحیه استان البرز خاطرنشان می‌کند: «تا حدودی مدیریت و کنترل دام‌های سرگردان را در این محدوده انجام داده‌ایم. در واقع، از پروژه‌های اصلی ما حفاظت و قرق منطقه بود و در این عرصه به‌طور شفافانه‌روزی از ورود دام‌ها به منطقه تالاب جلوگیری شده است.» بیات می‌گوید: «لازم است برای احیای تالاب صالحیه حقوق عرفی دامدارانی که در آن منطقه حق بهره‌برداری دارند با برنامه‌ریزی‌ها و انتقال سند انجم و این حقوق عرفی پرداخت شود تا از ورود دام‌ها برای حفاظت قرق جلوگیری به عمل آید.»

از شرق تهران یعنی تا جاده دماوند تحت تأثیر گردوغبار تالاب صالحیه است و نشان‌دهنده این موضوع است که آسیب‌های این تالاب فراتر از البرز و تهران است.» وی با بیان اینکه در شرایط اقلیمی کنونی می‌توان با افزایش سهمیه آب، تالاب صالحیه را از مرگ حتمی نجات داد، می‌گوید: «علاوه بر بحث زهکنشی، شاهد چرای بی‌رویه شترها از استان‌های دیگر هم در این تالاب هستیم که بیش از ظرفیت قابل تحمل محیط، در آن چرا می‌شود.» او یادآوری می‌کند: «سند تالاب صالحیه برای محیط‌زیست بر اساس قانون است؛ بنابراین بزودی تکلیف دستگاه‌ها برای احیای این تالاب مشخص می‌شود و با همکاری همه دستگاه‌ها از جمله جهاد کشاورزی و ذی‌نفعان محلی بخش‌های زیادی از این تالاب احیا خواهد شد.»

محمدپور می‌گوید: «با همراهی وزارت نیرو، مردم محلی و مطالعات دانشگاهی برنامه اجرایی خود را در سال‌جاری آغاز می‌کنیم.» وی اضافه می‌کند: «در مطالعات دیده شده اگر مجموعه عوامل وزارت جهاد کشاورزی، شرکت‌های آب منطقه‌ای و آبفا پای کار نیایند و تخصیص حقایبه نباشد، توفیقی نخواهیم داشت.» محمدپور می‌گوید: «با هم‌افزایی با استان همسایه که توسط حفاظت محیط زیست انجام می‌شود، بسترها برای اقدامات مؤثر در تالاب فراهم شده است.»

احیای تالاب صالحیه، نیازمند نگاه فرااستانی

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری

پهنه آبی فصلی، کانون گردوغبار این روزهای تهران و البرز شده است

تالاب صالحیه احیا شدنی است؟

🟡 گزارش
🇮🇷 نوشین طهماسبی
🇮🇷 گروه زیست بوم

گردوغبار تالاب صالحیه شب تهران را بنفش کرد و نفس کشیدن را برای بسیاری از شهروندان این کلانشهر سخت کرد. اما مطالعات انجام‌شده توسط دانشگاه تهران و مرکز پژوهش‌های مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نشان می‌دهد که تأثیر منفی این گردوغبار به تهران محدود نخواهد بود و کارشناسان این گردوغبار را تا جاده دماوند ردیابی کرده‌اند. تأثیر خشکیدی این تالاب روی شهرهای اطراف آنقدر زیاد است که با ورود رئیس‌جمهوری در دولت سیزدهم به ماجرا منجر به تشکیل یک کمیته شد، اما این کمیته هم نتوانست جلولی بلند شدن گردوغبار تالاب را بگیرد.

زهر عبادتی، رئیس اداره‌کل حفاظت محیط‌زیست شهر تهران پیش‌تر هشدار داده بود که احتمالاً تهرانی‌ها تابستان‌ها را با گردوغبار این تالاب به پایان خواهند برد. مدیرکل حفاظت محیط‌زیست البرز در گفت‌وگو با «ایران» راهکار حفظ تالاب صالحیه و نجات شهروندان این شهرها را پرداخت حقایبه تالاب و همکاری وزارت جهاد



عرض ۱۰ متر و عمق ۴ متر احداث و به حاتالی بین دشت‌های استان البرز و قزوین تبدیل شد. شوربختانه، فرسایش خاک در طول ۱۵ سال گذشته مشکلات فراوانی در محدوده تالاب صالحیه به وجود آورده و طبق آخرین مطالعات، نیمی از این محدوده که حدود بیش از ۲۰ هزار هکتار است، تبدیل به کانون ریزگرد فعال شده است.

تعیین حقایبه ۶۰ میلیون مترمکعبی

به استناد بند ۲ قانون تالاب‌ها، تعیین حقایبه و طرح مطالعاتی آن باید انجام شود. طرح مطالعاتی به صورت یکپارچه